فهرست

[مقدمه 2](#_Toc90741921)

[فرع هفتم؛ عورات ثلاث 2](#_Toc90741922)

[فرع هشتم؛ محدودیت خلوت انسان 3](#_Toc90741923)

[فرع نهم شمول نسبت به محرم و نامحرم 3](#_Toc90741924)

[فرع آخر نفسی و غیری بودن استیذان 4](#_Toc90741925)

[پاسخ به سؤالات 4](#_Toc90741926)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**

# مقدمه

در ششمین فرض و سؤال فرعی ذیل آیه استیذان بودیم

فرع ششم که جنسیت در مسئله دخالت دارد یا نه، گفتیم جنسیت دخیل نیست هم از سمت پسران و هم از سمت دختران شامل می شود چون معیار حکم پیشگیری از انحرافات جنسی هست وقتی اتاق خلوت می شوند این پیشگیری از انحرافات جنسی هم شامل پسر بچه می شود و هم شامل دختر بچه می شود

روایت سوم را که ذکر کرده بودیم که استیذان را به جنس مذکر منحصر دانسته بود از حیث دلالی را می گویم این هم در مورد مملوکان بود ، یعنی کنیزها و غلامانی که آن موقع بود می گوید روایت سوم فارغ از بحث سندی می گوید غلامان اجازه بگیرند و کنیزان نیاز به اجازه ندارند که با فرض این است که این کنیزان محرم آن مردی هستند که در خانه هست اما در مورد فرزندان نیست در موثقه فضیل یسار که روایت اول بود این هم در آنجا هم اذن خواهی مملوکان هم مذکر و هم مؤنث هر دو اشاره شده بود.

جنسیت دخیل نیست هم در مورد بچه ها هم در مورد مملوکان این جور هست.

روایت اول که فضیل بن یسار بود اذن خواهی مملوکان مذکر و مؤنث هر دو هست

# فرع هفتم؛ عورات ثلاث

آیا سه وقت ذکر شده در آیه موضوعیت دارد یعنی فقط در آن سه زمان آیه ...

اگر به آیه نگاه کنیم می گویند در این سه زمان لازم است اذن بگیریم ﴿**ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُم**[[1]](#footnote-1)﴾ حتی تاکید می کند که سه تا زمانی است که عورات لکم است سه زمانی است که برای شما عورات هستند این در دید اولیه به نظر می رسد که فقط این سه زمان هست ولی این طور نیست اینها کنایه از اوقات خلوت هستند. به چه دلیل؟

یکی اینکه این خود آیه می فرماید ﴿**ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُم**﴾ در واقع به علت حکم اشاره می کند این است که این سه زمان موقع عورت بودن و خلوت بودن شماست وقتی اینجور هست معلوم است که این سه زمان موضوعیت ندارد

از طرف دیگر اسلام محدود به جغرافیای خاص نیست ممکن است در بعضی از مناطق چند ماه شب است و چند ماه روز است در آن وقت اینکه بگوییم این اوقات خاصی که بگوییم الان ظهر است الان شب است آنجا موضوعیت ندارد خیلی اشکار است که بگوییم آنها که در این جغرافیا زندگی می کنند آنها هم مسلمان هستند و مکلف هستند و باید تحفظ هم داشته باشند حتی غیر مسلمانان هم قائل هستند که تکالیفی دارند.

یا مثلاً فرض کنید شیوه زندگی مردم تغییر کرد شاید در کل جهان اصلا وقتی بشود که وقت استراحت آن سه زمان نباشد یا بعضی از مشاغل هستند که برعکس است مثلاً روزها می خوابند و شبها بیدارند این را نمی شود گفت که آن سه زمان موضوعیت دارد بلکه کنایه از اوقات خلوت است

کسی قائل نیست که سه زمان موضوعیت داشته باشد اگر هم کسی قائل باشد می شود الغاء خصوصیت کرد که بگوییم عرف خصوصیتی برای این سه وقت قائل نیست به خاطر اینکه خلوت و عورت انسان هستند به خاطر آن به این نظر دارد. به همین دلیل این سه زمان موضوعیتی ندارند.

# فرع هشتم؛ محدودیت خلوت انسان

آیا آیه دلالت می کند که اوقات خلوت انسان باید محدود باشد ؟

به این هم دلالت نمی کند البته از ظاهر آیه شاید می گوید ﴿**ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُم**﴾ یک جورایی در ادامه می فرماید در احادیث هم بود که اوقات دیگر اوقات رفت و آمد عادی شما هست در نتیجه یک جوری می خواهد بیان کند اوقات خلوت شما محدود باشد خلوت به آن سه زمان هم نباشد کلاً اوقات خلوت شما معلوم باشد مدام در را نبندید و قفل کنید شاید در ظاهر چنین به نظر برسد

این برداشت هم خیلی بعید نیست که بگوییم یک جورهایی آیه شریفه می خواهد بگوید که اوقات خلوت شما همیشه بی ضابطه نباشد در روایت هم بود که بقیه زمانها ﴿**طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى‏ بَعْ**ض‏[[2]](#footnote-2)﴾ موقع رفت و آمد و بقیه اوقات اذن لازم نیست این بعید نیست ولی به طور یقین نمی شود این حکم را از آیه استخراج کرد و بگوییم اوقات خلوت باید محدود باشد این لزوم از اینجا بر نمی آید بلکه به اصطلاح اوقات خلوت از لحاظ جنسی گاهی نیازهایی پدید می آید که ساعاتی محدود به ساعات خاصی نیست و از لحاظ جنسی اسلام روایات متعددی دارد که در کتاب جامع رضایت جنسی همسران می توانید ببینید

اسلام خیلی تاکید دارد که ارضاء جنسی از سوی همسران هر زمان که امکانش هست صورت بگیرد این آیه هم دلالت بر محدود کردن این نیست

اما امکان دارد که بگوییم ﴿**طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى‏ بَعْض**﴾ دلالت می کند که محدود بکنید این جواب را می شود گفت که این در مقام بیان علت حکم نیست اشعاری دارد ولی دلالت قطعی نیست ﴿**طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى‏ بَعْض** ﴾ در مقام علت نیست می خواهد بگوید در زمانهای غیر خلوت در خانه است موقع رفت و آمد شماست در موقع خلوت موقع رفت و آمد نیست ر مقام علت نیست که بخواهیم به آن تمسک کنیم.

# فرع نهم شمول نسبت به محرم و نامحرم

اینجوری می شود گفت استحباب استیذان بنابر قول استاد اعرافی نمی شود گفت برای همه هست برای فرزندان خود انسان هست ولی استحباب اذن گیری و لزوم تحفظ عام است و محرم و نامحرم در آن دخیل نیست جنسیت هم در آن دخیل نیست

اما استحباب یاددهی استیذان نسبت به بقیه هم جریان دارد بر می گردد به مسئله قبلی.

# فرع آخر نفسی و غیری بودن استیذان

گفتیم حکم استیذان خود استحباب است سؤال اینجاست که این اسحباب استیذان برای این است که به عورت شخص یا به خلوت آن افرادی که خلوت می کنند اطلاع پیدا نکنیم یعنی خودش نفسی نیست و غیری است به خاطر آن غیر ، که آن غیر اطلاع نیافتن بر عورت است یا بگوییم خود استیذان موضوعیت دارد، یعنی خودش استحباب دارد

اگر می گفتیم استیذان واجب است آن وقت می گفتیم وجوب غیری دارد ما که قائل به استحباب شدیم ، استحباب می تواند وجوب نفسی داشته باشد یعنی خود استیذان ثواب بر آن مترتب بشود و با اصالة الموضوعیة هم سازگار است

فرق اینجا ظاهر می شود اگر قائل می شدیم استیذان از سوی فرزندان واجب است این می گفتیم اگر این را ترک کرد و عورت فاش نشد عقاب نمی شود

می گفتیم اگر وجوب غیری است این را اگر ترک کرد و عورت فاش نشد عقاب نمی شود ولی اگر این ترک کرد و عورت فاش شد آن وقت عقاب می شود

در استحباب اینجور نیست وقتی قائل به استحباب هستیم خود استحباب موضوعیت دارد و استحباب نفسی هست و خودش ثواب بر آن مترتب است.

# پاسخ به سؤالات

سؤال: خروجی فقه تربیتی فی الحال در کجا لحاظ شده است ؟

جواب: کارهای پژوهشی انجام می شود نهادهای مختلف این را اخذ می کنند و استفاده می کنند. نکته مهمی که هست این است که فقه تربیتی نظر واقعی تربیت اسلام را استخراج می کند و به اصطلاح با یک روایت ضعیف السند بگوییم نظر اسلام این است به این شکل نیست باید روایات را همه با هم دید عام و خاص و مطلق و مقید و تعارض روایات را دید و همه را کامل بررسی کرد و سند روایات را دید در مجموع نظر اسلام را اخذ کرد در مسائل تربیتی و اخلاقی و دیگر در عرصه علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وقتی به صورت فقهی و عمیق کار می شود نظر واقعی اسلام در می آید وقتی نظر واقعی در آمد معلوم می شود آن نهادهایی که هست این نظر واقعی اسلام را یعنی نظر تفقه شده است را استخراج می کنند و در عرصه هایی کار می کنند.

یک بحثی که دوستان پرسیدند یک بحث اخلاق جنسی هم داریم گفتم مربوط به خودسازی هست بحث مفصل است و کتابهایی نوشته شده است . کتاب تربیت جنسی هست.

سؤال کردند زیست جنسی در کجا لحاظ می شود

جواب: در موارد مختلف اگر کتاب جامع رضایت جنسی همسران را اگر تهیه کنید ببینید عوامل رضایت جنسی و موانع رضایت جنسی این ها ابعاد مختلف در آن لحاظ می شود مثلاً عوامل شناختی عاطفی دوستی رفتاری، در موانع هم همینطور است همه اینها را با هم می بینیم اینطور نیست که در مسائل خصوص جنسی یا هر مسئله یا مثلاً تربیت عبادی داشته باشیم یا تربیت اجتماعی داشته باشیم اینطور نیست که فقط شناخت بدهیم این عرصه تربیت ، آموزش بیشترین بخشش شناخت است و آن هم باز منحصر در شناخت نیست در عرصه تربیت عام تر است در تربیت صرف شناخت نیست بلکه جنبه عاطفی و زیستی و رفتاری همه را در نظر می گیریم و اصل جامعیت در دین بسیار مهم است که به آن پرداخته می شود .

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

1. - سوره نور، آیه 58 [↑](#footnote-ref-1)
2. - الکافی، ج 5، ص 529 [↑](#footnote-ref-2)